

پول زنانه و تداوم حیات خانواده: پژوهشی بر خانواده‌های تهرانی

سهیلا علیرضائزاد^{۱*}، الهه خاکپور مروستی^۲

چکیده

این پژوهش در پی بررسی تأثیر افزایش پول در دسترس زنان و نقش آن در پایداری خانواده است. برای این منظور از روش ترکیبی (مربک از مطالعه میدانی و پیمایش) استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته در بخش مطالعه میدانی و پرسش‌نامه در پیمایش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد زن می‌تواند بر نقش سنتی مرد به‌مثابه نان‌آور تأثیرگذار باشد. ناتوانی مرد در اجرای نقش نان‌آوری موجب چالش در خانواده می‌شود، زیرا زنان و مردان مشارکت‌کننده در پژوهش آن را وظیفه‌ای مردانه تلقی می‌کنند. ایفانکردن این نقش از سوی مرد در سال‌های اول ازدواج ممکن است موجب ظهور اندیشه جدایی و در مواردی جدایی شود. با افزایش سن ازدواج و گسترش تعامل اقتصادی زوجین و نیل خانواده به نوعی تعادل اقتصادی، تمایل به جدایی در زنان، حتی با وجود پاره‌ای مشکلات مالی، کاهش می‌یابد، زیرا زنان مایل به حفظ تعادل اقتصادی و بهره‌بردن از آن‌اند. از این رو، پول به‌مثابه کاتالیزور تأثیری دوگانه در تمایل به جدایی نزد زنان دارد.

کلیدواژگان

جدایی، خانواده، زنان، کارکرد دوگانه پول.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
soal802001@gmail.com
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Elahe_khakupour@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

بیان مسئله

خانواده، به مثابه یک نهاد اجتماعی، عبارت است از مجموعهٔ هنجارهای فرهنگی که به طور اجتماعی ساخته، تقسیم و مستقل می‌شوند و الگوی روابط میان اعضای گروه خانوادگی را تشکیل می‌دهند [۱، ص ۱۶]. خانواده از آن رو اهمیت دارد که نخستین نهاد اجتماعی است که با آن روبه‌رو می‌شویم و با آن حیات اجتماعی را تجربه و آغاز می‌کنیم. خانواده در طول تاریخ تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده است. ابتدایی‌ترین تحول عمده در ساختار خانواده مربوط به فرایند گذار از ساختارهای اقتصادی متفاوت است [۲، ص ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۹۰، ۳۰۵]. پیش از صنعتی‌شدن، بیشتر خانواده‌ها واحدهای تولیدی بودند [۸، ص ۴۲۸]. اما با صنعتی‌شدن نقش‌های مردان، زنان و کودکان تغییر کرد. به تدریج بسیاری از زنان نیز به کار خارج از خانه پرداختند [۸، ص ۴۳۱]. یکی از عوامل مهمی که سبب تحول و دگرگونی در خانواده‌ها شد، حضور زنان متأهل در دنیای کار است. به زعم گیدنز، اگرچه زنان متأهل شاغل مزدبگیر اکثراً در مشاغل پایین‌تری نسبت به شوهرانشان قرار گرفته‌اند، بیشتر از زنان خانه‌دار تمام‌وقت استقلال اقتصادی دارند. بسیاری از زنان هنوز دستمزد خود را مکمل درآمد شوهرانشان می‌دانند که از سوی هر دو زوج به منزلهٔ منبع اصلی درآمد خانواده در نظر گرفته می‌شود. شایان توجه است که شمار فزاینده‌ای از زنان علاوه بر نقش‌های خانگی، به دنبال موفقیت در زندگی شغلی نیز هستند [۸، ص ۴۳۶]. اگرچه زنان به طور سنتی ممکن بود از طریق دریافت هدایایی از سوی والدین یا ارثیه به منابع مالی به جز پول خرجی یا پول توجیبی، که از همسرانشان دریافت می‌کنند، دسترسی داشته باشند [۶]. کار دستمزدی منبع مالی ویژه‌ای را برای آنان فراهم کرده است که می‌تواند بر روابط اقتصادی درون خانواده تأثیرگذار باشد.

زیمل می‌گوید رواج پول موجب سست‌شدن پیوندها و وفاداری‌های مبتنی بر خون و خویشاوندی می‌شود. پول گذشته از کارکردهای اقتصادی، روح تعقل، حساب‌گری و احساس غیرشخصی جامعهٔ نوین را متجسم می‌کند [۷، ص ۲۶۸]. زیمل بر این باور است که مبادلهٔ اقتصادی را به خوبی می‌توان به منزلهٔ یک صورت از کنش متقابل اجتماعی در نظر گرفت. پول خاصیتی غیرشخصی دارد که معادل‌های ارزشی معاملات پایاپای هرگز نمی‌توانند مانند آن عمل کنند [همان]. معمولاً در خانواده، به ویژه خانواده‌های ایرانی، مردان به مثابهٔ نان‌آور و صاحب منابع مالی خانواده شناخته می‌شدند^۱ و زنان به پول‌های با اهداف خاص از قبیل خرج خانه یا پول توجیبی دسترسی داشتند [۱۴]. با توجه به تفاوت رفتار زنان و مردان با پول، می‌توانیم بپذیریم که ورود پول در دست زنان موجب به چالش کشیده شدن تعادل اقتصادی

۱. وضعیت موجود با پول مردانه (که تنها نوع پول شناخته شده بود) شکل گرفت.

سنتی موجود در خانواده با اتکای به نان‌آوری مرد می‌شود [۶]، مهم است که بدانیم آیا دسترسی زنان به منابع جدید مالی در خانواده موجب کاهش پایداری خانواده می‌شود؟

پیشینه پژوهش

امروزه، توجه به نقش جنسیتی پول در خانواده‌های ایرانی و کشورهای مشابه افزایش یافته است؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. سهیلا علیرضانژاد و شهلا حائری (۱۳۹۰) تأثیر پول، جنسیت و توسعه را در پژوهشی بررسی کردند. در این پژوهش، تأثیر درک و تجربه زنانه از پول بر فرایند مداخله توسعه‌ای در یک اجتماع محلی مشاهده و بررسی شد. سحر خاکپور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «جنسیت و تصمیم‌گیری درباره هزینه‌کرد پول در خانواده»، تفاوت رفتار زنان و مردان با پول را بررسی کرد. این پژوهش بیانگر تفاوت درک و استفاده از پول بین زنان و مردان در خانواده است. جهانگیر جهانگیری و وحیدکشافی‌نیا (۱۳۹۳) به بررسی جامعه‌شناختی مفهوم پول برای زنان در خانواده در شهر تبریز پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مفهوم پول میان ۶۱٫۸ درصد زنان خانواده‌محور، ۳۱٫۵ درصد خودمحور/ خانواده‌محور و ۶٫۷ درصد خودمحور است. افسانه وارسته‌فر و سوری صفائی‌راد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شهر تهران، جدایی امور مالی بین زوجین را از عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در خانواده معرفی کردند. نورالمساعد (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان پول و قدرت در خانواده سعودی، ادعا می‌کند که زنان شاغل در همه هزینه‌های زندگی همچون خوراک، پوشاک، هزینه‌های مدرسه و اقساط بانک برای خانه یا خودرو شریک شده‌اند، اما این شراکت بیشتر در بخش مدیریت مالی و اجرایی است و مردان همچنان کنترل استراتژیک و قدرت رهبری را در اختیار دارند. همچنین، ویویان زلیزر (۱۹۸۹) مقاله‌ای با عنوان «معنای اجتماعی پول، پول‌های خاص» ارائه کرد. او بر این باور است که فرهنگ خانواده تحت تأثیر برابری اعضا نبوده و جنسیت به‌منزله نوعی از تمایز غیر بازاری در صندوق پول خانگی مصرفی مؤثر واقع شده و پول زنان، به‌ویژه هنگامی که درآمدی نداشتند، مشابه پول شوهرانشان نبود.

مبانی نظری

زیمل دستیابی به پول را اصلی‌ترین تمایل در زندگی مدرن می‌داند. از نظر زیمل، فقط پول است که از هر نوع کیفیتی فارغ است و به‌طور چشمگیری با کمیت تعیین شده است؛ بنابراین درباره پول نه از چگونگی، بلکه از مقدار آن پرسش می‌شود [۱۸، ص ۳۴۵]. ظاهراً پول تفاوت‌های کیفی میان چیزها و انسان‌ها را از میان برمی‌دارد. در لوای پول، روح حساب‌گری و

تجربید بر جهان‌بینی کهنی که اولویت را به احساسات و تخیل می‌داد، فایق می‌آید [۷]، ص ۲۶۸]. بر این اساس، افراد دور هم جمع می‌شوند، ولی هویتشان را نیز حفظ می‌کنند. در جامعه‌ای که پول مایهٔ یگانگی و حاکمیت است، روابط میان انسان‌ها عینی، کارکردی، ابزاری، غیرشخصی و از لحاظ عاطفی خنثی است [۱۱، ص ۱۰۲].

نقش پول در خانوادهٔ مدرن

مطالعهٔ پول و نقش آن در خانواده اهمیت زیادی دارد. ظاهراً پول منبع بزرگ اختلاف بین زن و شوهر و گاه والدین و فرزندان است. معمولاً، موضوعات و مشکلات مربوط به پول کمتر از خشونت خانوادگی و دیگر مسائل زناشویی مد نظر قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، مسائل پولی پنهانی است و خانواده‌ها نه تنها به ابراز مسائل خصوصی مالی‌شان به بیگانگان بی‌میل‌اند، بلکه شوهران، زنان و فرزندان اغلب اطلاعات مالی را از هم پنهان می‌کنند و حتی گاه به هم دروغ می‌گویند [۱۸، ص ۳۵۲-۳۵۳]. در همین باره، بلامستین^۱ و شوارتز^۲ متذکر می‌شوند که پول معمولاً به‌مثابهٔ نوعی تابو است و زوجها مایل نیستند ولو در خلوت دربارهٔ آن سخن بگویند. همچنین، اتخاذ تصمیم دربارهٔ هزینه‌های مهم معمولاً با گفت‌وگوهای زوجین همراه است. از این رو، عجیب نیست که تصمیم‌گیری مالی به صورت مشترک، شادی و رضایت برای افراد به همراه می‌آورد. پال^۳ معتقد است زمانی که مردان به‌تنهایی بر امور مالی کنترل دارند، زن و مرد در روابط زناشویی شادی کمتری نسبت به زمانی که هر دو در مسئولیت‌ها به‌طور مشترک سهیم باشند، نشان می‌دهند [۱۷، ص ۱۱۸]. پژوهش وگلر و همکارانش دربارهٔ اقتصاد داخل خانه نشان داده است که نسبت کوچک اما فزاینده‌ای از زوجها در تلاش‌اند تا بتوانند درآمدشان را حفظ کنند و به استقلال در هزینه‌کرد درآمدشان برسند. به عبارت دیگر، آن‌ها تا حدودی به صورت دو واحد اقتصادی مستقل عمل می‌کنند تا اینکه به ادغام پول بپردازند [۱۷].

جنسیت و خانواده

پذیرفتنی است که زنان و مردان گونه‌های متفاوتی نیستند، اما زندگی روزمره شیوه‌هایی را پیش روی افراد قرار می‌دهد که از آن طریق، زن و مرد متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند. این یک باور عمومی است که مرد و زن به صورت طبیعی باهم متفاوت‌اند، زیرا از نظر زیستی باهم فرق دارند، از نظر روحی و روانی یکسان نیستند و بسیار طبیعی است که رفتار متفاوتی داشته باشند [۱۳، ص ۲۵]. نکتهٔ مهم نوع و میزان توانایی‌هایی است که زنان و مردان از آن

1. Blumstein
2. Schwartz
3. Pahl

برخوردارند و آن را در زندگی روزمره خود به کار می‌برند [۱۳، ص ۵۸]. تفاوت رفتارهای جنسیتی افراد به شرایط و محیطی که در آن می‌زیند وابسته است؛ اما، درعین حال، موقعیت اجتماعی هر فرد نیز بر این رفتار تأثیر می‌گذارد [۱۳، ص ۶۹].

زلیزر معتقد است جنسیت، به‌منزله نوعی از تمایز غیربازاری، در پول خانگی مؤثر واقع می‌شود. پول زنان هنگامی که درآمدی نداشتند همانند پول شوهرانشان نبوده و جنسیت مانند بسیاری امور دیگر، آن را نیز شکل می‌دهد. در ساختار سلسله‌مراتب خانوادگی، مردان بخشی از درآمدها را به زنان اختصاص می‌دادند و زنان برای کسب پول اضافه‌تر محدودیت داشتند و خواسته‌هایشان را از طریق شیوه‌های خاصی چون متقاعدکردن، چاپلوسی و دستبردهای یواشکی پیش می‌بردند. همچنین، زمان مشخصی برای دریافت پول وجود نداشت. زنان مجبور بودند هر زمان که نیاز دارند آن را بخواهند یا اینکه الگوی هفتگی یا ماهیانه‌ای را دنبال کنند. پول آنان با سهمی محدود و کنترل‌شده از مخارج خانواده تعریف می‌شد و زنان معمولاً از کاربرد پول برای هزینه‌های شخصی خود محروم بودند [۱۸، ص ۳۶۷-۳۷۰]. می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت بر پول زنان، حتی زمانی که منبع آن درآمد خودشان است، اثر می‌گذارد و به‌طور جداگانه مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، پول زنان، به‌منزله درآمد تکمیلی، برای مخارج خانواده و برای اهداف نه‌چندان مهم مثل لباس یا جواهرات در نظر گرفته می‌شود [۱۸].

برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در مغرب‌زمین نشان می‌دهد که ارزش پول‌های زنان با ارزش پول‌های مردان در خانواده برابر نیست. پولی که زنان به خانواده می‌آورند به‌ندرت جایگاه نمادین «پول فرد بالغ»^۱ را به‌دست می‌آورد؛ درحالی‌که درآمد مردان به‌منزله درآمد خانواده، که اهمیت اساسی دارد، تعریف می‌شود و به‌دسته‌بندی پول بسیار محافظت‌شده تعلق دارد [۱۶، ص ۲-۳].

جنسیت و تأثیر آن بر مباحث مالی در خانواده این حقیقت را روشن می‌کند که وقتی زنان پول بیشتری نسبت به همسرانشان کسب می‌کنند، سبب تغییر مدل سنتی نان‌آوری مردان می‌شوند؛ اما زنان در این باره احساس خوبی ندارند و در تلاش‌اند با چشم‌پوشی از اینکه پول بیشتری به‌دست آورند، موقعیت مسلط مردان در خانواده را زیر سؤال نبرند [۱۶].

اشتغال زنان و تأثیر آن بر خانواده

معمولاً زنان و مردان در تولید و بازتولید دنیای اجتماعی پیرامون خویش، هم در سطح فعالیت روزمره و هم در خلال زمان، نقش داشتند، اما ماهیت این همراهی و توزیع

1. adult money

مسئولیت‌های آن در طول زمان شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. با شروع فرایند صنعتی‌شدن، کار دستمزدی عمدتاً قلمرو مردان بود. در دهه‌های اخیر، این وضعیت دستخوش تغییر شد و زنان بیشتری وارد نیروی کار شدند. برای اکثریت بزرگی از جمعیت جوامع ماقبل صنعتی فعالیت‌های تولیدی و فعالیت‌های خانه از یکدیگر جدا نبودند. با جدایی محل کار از خانه، این وضعیت متحول شد [۹، ص ۵۶۰-۵۶۱]. در این میان، نقش و جایگاه مرد و زن دچار تغییر شد. مرد، در مقام پایه و پشتوانه خانواده، هنوز هم جایگاه محوری و حقوقی ممتاز خویش را در درون خانواده حفظ کرده است. اما آنچه بیشتر دگرگون شد، نقش و جایگاه زنان است [۱، ص ۷۹]. افزایش آگاهی زنان به حقوق خود و نیز کار فردی-زاده الزامات اقتصادی و مالی خانواده هسته‌ای-آنان را آزادتر کرده است. همچنین، نقش‌های مردانه یا نقش‌های زوجین دگرگون شده است. در خانواده هسته‌ای، همکاری افزایش می‌یابد؛ در بعضی از کشورهای اجتماعی مردان کمی از وقت خود را صرف کمک به کارهای خانه و مراقبت از فرزندان می‌کنند. به این ترتیب، اداره عقلانی‌تر بودجه خانوادگی گسترش می‌یابد و پرداخت پول خرجی هفتگی یا ماهانه به زنان افزایش می‌یابد [۱، ص ۸۲]. به‌زعم برگوین^۱، اگرچه پول منبعی برای مصرف جمعی خانواده است، احتمالاً این مسئله مطرح است که چه کسی می‌تواند و باید پول را کنترل و خرج کند. اگر زن در خانواده درآمد داشته باشد و پولش را توزیع کند، این امر احتمالاً موجب تغییرات درخور توجهی در خانواده می‌شود. در واقع، زن ممکن است نسبت به زمانی که همسرش تنها نان‌آور خانواده است اختیار بیشتری به اموال و احتمالاً دسترسی برابرتر و مشروع‌تری به پول داشته باشد و همچنین شاید نقش پررنگ‌تری در تصمیمات مالی خانواده ایفا کند [۱۵، ص ۶۸].

به نظر می‌رسد در سالیان اخیر، با افزایش تعداد زنان متأهل دارای شغل، بر پیچیدگی و ابهام روابط زناشویی افزوده شده است [۱، ص ۸۳]. اشتغال هم‌زمان زنان و مردان موجب بروز تحول در زندگی آنان شده است. زنان از کار خود درآمد مشخصی دریافت می‌کنند، اما روشن نیست این درآمد جدید متعلق به چه کسی است. رجوع به واقعیت نشان داد که بسیاری از مردان درآمد زنان را متعلق به خود می‌دانند، چون اجازه کار در بیرون از خانه را به زنان تفویض کرده‌اند. بدین ترتیب، با مراجعه به واقعیت به همراه مرور مبانی نظری برای پاسخ‌گویی به سؤال آغازین، پرسش‌های ذیل مطرح شد.

۱. پول زنان در مخارج خانواده چه تأثیری بر تعامل بین زوجین دارد؟ ۲. آیا ورود پول زنانه در خانواده باعث ایجاد تنش می‌شود؟ ۳. آیا تنش احتمالی موجب ناپایداری خانواده می‌شود؟

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از طرح ترکیبی متوالی استقرایی انجام شده است. مدل ترکیبی اجرا شده در این پژوهش مرکب از روش مطالعه میدانی و پیمایش است. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بود. در بخش کمی، برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد.

جامعه آماری در این پژوهش، همه زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران است. در سال ۱۳۹۲ جمعیت کل زنان و مردان متأهل شهر تهران ۶ میلیون و ۷۰۵ هزار و ۸۸۲ نفر بود که از این تعداد ۳ میلیون و ۴۹۸ هزار و ۱۹۸ زن و ۳ میلیون و ۲۰۷ هزار و ۶۸۴ مرد بودند [۱۰]. در بخش کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده و با ۳۲ نفر مصاحبه شد (۲۶ زن و ۷ مرد). سن مصاحبه‌شونده‌ها بین ۲۵ تا ۷۰ سال است. زنان مصاحبه‌شونده به دو دسته شاغل و غیرشاغل تقسیم شدند. همچنین، مردان به دو دسته مردان دارای همسر شاغل و مردان دارای همسر غیرشاغل تقسیم شدند. با توجه به دسترسی نداشتن به چارچوب نمونه‌گیری و نیز برای ارتقای اعتبار درونی از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای در اجرای پیمایش استفاده شد. به این ترتیب، هشت تیپ از زنان و مردان با توجه به اشتغال داشتن یا نداشتن زنان و نیز داشتن یا نداشتن فرزند^۱ ساخته شد که عبارت‌اند از: زن شاغل دارای فرزند، زن شاغل بدون فرزند، زن غیرشاغل دارای فرزند، زن غیرشاغل بدون فرزند، مرد همسر شاغل و دارای فرزند، مرد همسر شاغل و بدون فرزند، مرد همسر غیرشاغل و دارای فرزند و مرد همسر غیرشاغل و بدون فرزند. حجم نمونه در پیمایش با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۶ نفر تعیین شد که با توجه به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای به ۲۴۰ پاسخ‌گو افزایش یافت. شایان ذکر است که در نمونه‌گیری سهمیه‌ای هر گروه لازم است حداقل ۳۰ عضو داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

تغییر نقش زنان از خانه‌داری به نان‌آوری

استقرای نظری و همچنین مشاهده واقعات نوعی هم‌تغییری بین نقش‌های خانگی زنان و دگرگونی‌های خانواده را به نمایش می‌گذارد، اما آنچه در همه این تغییرات ثابت باقی ماند، «نقش نان‌آوری مردان» در خانواده است. به‌رغم ورود زنان به بازار کار و دسترسی آنان به درآمد شخصی و پذیرش افزایش نسبی استقلال در زنان، کماکان نقش مردان، به‌مثابه «نان‌آور و مسئول خانواده» باقی ماند و زنان هم این نقش را پذیرفتند. خانمی ۵۳ساله و شاغل می‌گوید:

۱. مشاهدات نشان داد که زنان بخشی بزرگی از درآمد خود را برای فرزندان هزینه می‌کنند.

... خرج خونه با شوهرم بود. از وقتی ازدواج کردیم، از نظر مالی قبول نکرد که هیچ کمکی به اون بشه.

خانمی ۴۹ساله معتقد است:

وظیفه همسرمه که ما رو تأمین کنه. کسی که خودش اومده جلو، می‌خواد تشکیل خانواده بده و وظیفشه که خرج ما رو بده... تمام هزینه‌ها با همسرمه.

خانمی ۵۸ساله و شاغل می‌گوید:

خرج خونه از اول با همسرم بود. من هم حقوقم رو خرج هزینه‌های خونه می‌کنم. اما عمده مخارج با همسرمه.

به نظر می‌رسد که این خانم هزینه‌هایی را که انجام می‌دهد، عمده نمی‌داند. خانمی ۳۱ساله و شاغل می‌گوید:

همیشه خرج و مخارج خونه با همسرمه. هیچ‌وقت نمی‌گه پولت چی شد.

آقای ۳۶ساله دارای همسر شاغل می‌گوید:

من اصلاً به پول همسرم کار ندارم... وظیفه منه که خرج خونه و اون رو بدم.

آقای ۴۵ساله دارای همسر خانه‌دار معتقد است:

خرج و مخارج و هزینه‌ها رو عمدتاً من انجام می‌دم. همسر... خانه‌داری می‌کنه.

به نظر می‌رسد هم زنان و هم مردان معتقدند که نقش نان‌آوری خانواده برعهده مرد است؛ حال اگر زن شاغل است و بخشی از هزینه‌ها را برعهده می‌گیرد، به معنای ساقط شدن این مسئولیت از عهده مرد نیست. در اینجا نقش پول زن به‌درستی روشن نیست.

داده‌های کیفی و کمی نشان می‌دهد که در مواردی نقش نان‌آوری یا «مسئولیت مخارج خانواده» از نظر جنسیتی جابه‌جا شده است. این شرایط سبب بروز اختلاف و جدل در خانواده می‌شود. خانم ۷۰ساله شاغل می‌گوید:

از روز خرید عروسی فهمیدم همسرم به‌لحاظ مالی خیلی با من تفاوت داره. سر آینه و شمعدون چون قیمتش بالا بود، ایشون گفتن چیز ظاهریه... برادرم گفت این آقا همچین آدمیه. اگه می‌خوای، همین‌جا قطعش کن. اگر نه... می‌تونی خودت به عهده بگیری. الان توی زندگی هرچی می‌بینید، همه‌چیز رو خودم خریدم.

خانم ۴۹ساله شاغل می‌گوید:

از شهرستان اومدیم تهران. شوهرم بیکار بود و هنر نقاشی داشت. نقاشی می‌کشید و من می‌فروختم. کل مخارج خونه با من بود... خیلی سخت می‌گذشت. از یک طرف می‌گفتم مرد بدعادت می‌شه، از یک طرف هم زندگی‌م رو دوست داشتم.

او از این وضعیت ناراضی و با خود در چالش است و بر این باور است که وظیفه نان‌آوری خانواده با مرد است. خانمی ۳۴ساله مطلقه و خانه‌دار در این باره می‌گوید:

شوهرم بیکار شد و توی پوزیشن کاریش باقی موند و نتونست به کار با منزلت شغلی پایین تر رضایت بده... تا اینکه پدرم فوت کرد و منزل پدری مون رو فروختیم و من از سهمم پول رهن خونه رو دادم و برادرم هم بقیهش رو توی کار ساخت و ساز گذاشت و از اون طریق اموراتمون می گذشت.

خانم ۳۲ساله شاغل و مطلقه می گوید:

همسرم پونزده بار شغل عوض کرد... شوهرم به بهانه سربازی سر کار نمی رفت... خونه می خوابید یا با دوست هاش بیرون می رفت... خرجی خونه با من بود. من پول که درمی آوردم می داشتم روی میز.

نزد مردان نیز باورهای مختلفی در این باره وجود دارد. آقای ۳۶ساله دارای همسر شاغل می گوید: روی پول خانومم اصلاً حساب نمی کنم... پول مال خودشه.

آقای ۶۰ساله دارای همسر شاغل این رویکرد را به چالش می کشد:

من هم زمان با کارم تحصیل هم می کردم. اصلاً همسرم همراه و همکار نبود و یکی از مشکلات من این بود که هم باید تحصیل کنم، هم کار و هم مخارج خونه رو تأمین کنم.

ظاهراً از زن شاغل انتظار می رود تا در هزینه های خانواده مشارکت کند. مصاحبه ها نشان داد که برخی از زنان تأمین مخارج خانواده را برعهده داشتند. آن ها از وضعیت پیش آمده ناراضی بودند، زیرا نقش نان آوری خانواده را مختص مردان می دانستند. برخی از این بانوان اظهار کردند که به این دلیل از همسرشان جدا شدند. نکته درخور تأمل آن است که مردان با وجود پذیرش نقش مسئول تأمین هزینه های خانواده، انتظار دارند همسرانشان در نقش های مالی مشارکت بیشتری داشته باشند. همچنین، زمانی که مردان به علت ضعف جسمانی یا بیکاری و تغییر شغل نتوانند مخارج خانواده را تأمین کنند، «هویت نان آوری مردان» و «قدرت حرفه ای مرد برای پول سازی» با مخاطره مواجه می شود، زیرا قدرت آنان در تأمین هزینه های خانواده یا به اصطلاح «پول سازی»^۱ وجه مهمی از قدرت به حساب می آید که فقدان آن ثبات خانواده را تهدید می کند. در مصاحبه ها مشاهده شد وقتی مرد فاقد قدرت ایفای نقش نان آوری است، تمایل به طلاق افزایش یافته است، اما در شرایطی که مرد به طور نسبی این نقش را ایفا می کند، زنان مشکلات مالی را تحمل می کنند.

جدول ۱ نیز نشان می دهد مشکلات مالی، و نه ناتوانی مرد از ایفای نقش نان آوری، پایداری خانواده را به طور جدی تهدید نمی کند.

۱. اصطلاح پول سازی را یکی از مردان مشارکت کننده در پژوهش استفاده کرد. منظور از پول سازی تأمین بودجه و تهیه خرج و مخارج خانواده است.

جدول ۱. دیدگاه پاسخ‌گویان درباره مشکلات مالی و کم‌رنگ شدن روابط عاطفی در خانواده

مشکلات مالی بر کم‌رنگ شدن روابط عاطفی در خانواده مؤثر است	فراوانی	درصد
کاملاً موافقم	۱۷	۷٫۱
موافقم	۴۳	۱۷٫۹
نظری ندارم	۵۰	۲۰٫۸
مخالفم	۸۳	۳۴٫۶
کاملاً مخالفم	۴۷	۱۹٫۶
جمع	۲۴۰	۱۰۰

این داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخ‌گویان معتقدند مشکلات مالی نقشی در کم‌رنگ شدن روابط عاطفی در خانواده ندارد. البته ۲۵ درصد از پاسخ‌گویان موافق‌اند که مشکلات مالی می‌تواند موجب جدایی زوجین شود. به نظر می‌رسد داده‌های کیفی و کمی یکدیگر را حمایت می‌کنند. مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد زنانی که بر اثر مشکلاتی از قبیل بیماری یا بیکاری مرد ناگزیر از تحمل بار مالی خانواده به تنهایی شدند، آسیب‌هایی را به نمایش گذاشتند. خانم ۵۸ساله و شاغل می‌گوید:

سر مسائل مالی با همسرم جر و بحث می‌کردم. گاهی تصمیم به جدایی می‌گرفتم. اما من چه چیزی رو می‌خواستم به دست بیارم؟... طلاق می‌گرفتم، خونه رو هم از دست می‌دادم.

خانم ۴۹ساله و شاغل می‌گوید

شوهرم ورشکست شده بود و بیکار... خیلی دعوا داشتیم. حرف طلاق پیش اومد، اما تو بدترین شرایط هم خونه رو ترک نکردم. به خاطر بچه‌ها سوختم و ساختم. مسئله اصلی ما مشکل مالی بود.

در همین زمینه، مردی ۶۰ساله دارای همسر شاغل می‌گوید:

سه یا چهار سال اول زندگی‌ام با همسرم که شاغل بودیم اشتراک مساعی داشتیم نسبت به مخارج زندگی و مشکلی نداشتیم. تا اینکه سر رفت و آمدها و تعاملات من با اجتماع و آشنایان و فامیل اختلاف پیش اومد. همسرم به این بهانه دیگه توی خرجی خونه مشارکت نکرد... من هم به خاطر شرایطی که دخترم (ضایعه نخاعی) داره... نمی‌تونم زندگی‌م رو از هم بپاشونم.

به نظر می‌رسد به‌رغم اندیشه جدایی، که نشان از ناپایداری خانواده دارد، عملاً بسیاری از این افراد، به‌ویژه به دلیل حضور فرزند، تن به طلاق ندادند. بدین ترتیب، نمی‌توان پذیرفت که مشکلات مالی به‌تنهایی عامل اصلی جدایی است، بلکه می‌تواند در کنار سایر عوامل تأثیر تشدیدکننده داشته باشد. همچنین، بیشتر زنان در مقایسه با مردان به دلیل ترس از دست

دادن منابع مالی در دسترس، از طلاق اجتناب می‌کنند. احساس ناامنی مالی در زنان پس از جدایی، به‌منزله مانع طلاق عمل می‌کند. براساس داده‌های پیمایش، حدود ۸۰ درصد پاسخ‌گویان باور ندارند که بیکاری مرد به بروز اختلافات در خانواده منجر می‌شود. همچنین، محاسبه‌ی کای اسکوئر نشان می‌دهد که بین دو جنس در این رابطه تفاوت دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که نمی‌توان مسائل مالی را به‌مثابه عامل اصلی طلاق، به‌ویژه با حضور فرزندان، دید. این عامل در کنار سلسله عوامل دیگر می‌تواند موجب تقویت نارضایتی از زندگی مشترک شود. حدود ۶۴ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند شرایط مالی نامناسب سبب جدایی و طلاق بین زوجین نمی‌شود. همچنین، محاسبه‌ی کای اسکوئر نشان می‌دهد در رفتار دو جنس در این زمینه تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، زنان حداقل به لحاظ نظری در هنگام بروز مشکلات مالی تصمیم به جدایی نمی‌گیرند؛ هرچند در برخی موارد، به دلیل مشکلات مالی، زوجین از یکدیگر جدا شده بودند، طلاق آن‌ها صرفاً به دلیل وجود مشکلات مالی نبود و عوامل دیگری همراه با مباحث مالی به جدایی منجر شده است.

اعتماد یا بی‌اعتمادی مالی زن و مرد در خانواده

اعتماد در زمینه مالی یکی از مباحث مهم در خانواده است. زمانی که پولی شدن روابط خانوادگی موجب تغییراتی در روابط زن و مرد می‌شود، بحث اعتماد و بی‌اعتمادی ظاهر می‌شود. نکته آن است که تا چه حد زن و مرد حاضرند دیگری را در منابع مالی خود سهیم کنند. خانم ۵۶ساله و شاغل می‌گوید:

با فروش سهام و فروش ماشین تونستیم این خونه رو بخریم... همسرم گفت زمانی که خواستن به نام بزمن، به نام تو باشه. چون برادری من به‌عنوان یه زن شاغل ثابت شده که چیزی برای خودم نمی‌خوام.

خانم ۳۸ساله و شاغل می‌گوید:

مادرم سر عقد به من یه ماشین هدیه داد و گفت به نام همسرم بزنینم. اما گفتم هنوز زوده، خیلی نمی‌شناسیمش.

او درباره‌ی خانه‌ای که با مشارکت همسرش خریداری شد، می‌گوید:

یه خونه رودهن خریدیم و بیشتر پولش رو خودم دادم. همسرم گفت به نام من بشه، اما من می‌خوام سه‌دنگ سه‌دنگ بشه. اگه همسرم می‌خواست کامل به نام خودش بزنه، مخالفت می‌کردم. شاید فردا یکی از ماها نباشه و بنابراین نباید بعد از یکی از ماها، دیگری به کسی نیاز پیدا کنه. من شاید وقتی گفتم سه‌دنگ سه‌دنگ، منظورم این بود که شش‌دنگ به نام همسرم نباشه. چون من رفته بودم و تلاش کرده بودم.

به نظر می‌رسد زنان مایل‌اند که در مالکیت منابع مالی سهیم باشند. احساس امنیت

اقتصادی مفهوم دیگری است که علاوه بر اعتماد، در کنش‌های اقتصادی بین زوجین تأثیرگذار است. نکته آن است که بسیاری از زنان از این احساس بهره کافی ندارند. گویا آنان این امنیت را از طریق وجود اموالی که رسماً و قانوناً به نام آن‌هاست به دست می‌آورند. خانم ۴۰ساله و شاغل می‌گوید:

مطب رو اجاره دادیم و قسط وام رو دادیم. به نام همسر بود. چون وام به نام اون بود و من پروانه نداشتم و نمی‌شد به نام من باشه. اما بعدش من خواستم به نام من باشه. فکر کردم من دارم توی زندگی مشارکت می‌کنم، چرا همه چیز به اسم اون باشه؟

خانم ۴۴ساله و خانه‌دار می‌گوید:

خونه به نام من و دخترمه. همسر مشکل قانونی داره و نمی‌تونه اموالش رو به نام خودش بزنه. بیشتر خونه به نام دخترمه چون به من اعتمادی نداره... پشتوانه‌ای ندارم. با اینکه خونه و ماشین به ناممه، اما اجازه فروش اون‌ها رو ندارم. حتی نمی‌تونم برای اینکه طلب‌های همسر رو بدم از اون‌ها استفاده کنم.

خانم ۳۱ساله و شاغل می‌گوید:

من اگر در ماه پول نداشته باشم، بدخلق می‌شم. حساب مالی کم بشه، نگران می‌شم. احساس می‌کنم هیچ پولی ندارم، هیچ امنیتی ندارم.

در برخی از موارد هم این مسئله باعث اختلاف میان زوجین می‌شود. خانم ۴۹ساله و شاغل می‌گوید:

این خونه‌ای که داریم باهم خریدیم. وام مسکن گرفتیم و من طلاهام رو فروختم... همسر به جای پرداخت بخشی از پول، دستگاه قند ساخت... الان چهار دنگ به نام همسر و دو دنگ به نام منه. سر این ماجرا هم دعوا شد. قسمت اعظم پول رو من دادم. روزی که می‌خواستم برم محضر احساس کردم خرد شدم و نمی‌خواستم برم. برادرم وساطت کرد. اول قرار بود نصف‌نصف باشه اما نشد.

خانم ۷۰ساله و شاغل، از این ناراضی است که با توجه به مشارکت در ساخت خانه و پرداخت وام و اقساط بانکی، همسرش خانه را به‌رغم توافق، به نام او نکرد. وی می‌گوید:

یکی دو بار بهش گفتم بیا خونه رو به نام من بزن. می‌گه خونه می‌خوای چی کار؟ گفتم اگه داماد بیاد من رو بیرون کنه، من کجا برم بشینم؟ هیچی نمی‌گه. وقتی به جای حق می‌رسه، می‌ذاره می‌ره.

ظاهراً فرزندان با افزایش سن در این میان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. خانمی ۳۴ساله مطلقه و خانه‌دار راجع به مادرش می‌گوید:

مادرم کار می‌کرد، اما خونه به نام پدرم بود. مادرم می‌گفت من هم کار می‌کنم، چرا باید خونه به نام تو باشه؟ بابام می‌گفت تو مگه چقدر حقوق می‌گیری، من شیش برابر تو حقوق می‌گیرم.

در اینجا غیرجدي تلقی کردن درآمد زن به روشنی قابل مشاهده است. در پیمایش برای سنجش تمایل به مشارکت مالی درباره حساب بانکی مشترک پرسش شد.

جدول ۲. توزیع فراوانی حساب بانکی مشترک با همسر

متغیر	فراوانی	درصد
بله	۳۴	۱۴.۲
خیر	۲۰۶	۸۵.۸
جمع	۲۴۰	۱۰۰.۰

جدول ۲ نشان می دهد که حدود ۸۵ درصد زوجها با همسرانشان حساب بانکی مشترک ندارند. این امر، به ویژه با توجه به اینکه اغلب پاسخ گویان با ایجاد حساب مشترک موافق بودند، بیانگر بی اعتمادی و نیز نبود مشارکت بین زوجین است.

اعمال کنترل بر منابع مالی

گاه در روابط خانوادگی دسترسی به منابع مالی ابزار کنترل و اعمال قدرت است. در برخی موارد، مردان برای ممانعت از ادامه تحصیل زنان آنان را تحت فشار مالی قرار می دهند. خانم ۴۶ ساله و شاغل می گوید:

وقتی باردار شدم، یک ترم مرخصی گرفتم و دانشگاه همکاری کرد که دروس عمومی رو غیر حضوری بگذرونم. به زور همسرم رو قانع کردم که بچه رو مهد کودک بذارم. همسرم هیچ گونه همکاری نمی کرد. وضع مالی ش خوب بود، اما حتی پوشک نمی خرید. می خواست هر جور شده کارشکنی کنه که من دانشگاه نرم.

خانم ۵۱ ساله و شاغل می گوید:

همسرم به من می گفت تو سر کار می ری و کار می کنی، اگه من بخوام نذارم بری سر کار، می تونم. اگه می خوام پولت رو هزینه نکنی، سر کار نرو.

خانم ۴۹ ساله و شاغل درباره پرداخت هزینه های مربوط به اشتغال همسرش می گوید:

همسرم از حقوقم مطلعه چون چک هام دستشه... چون حقوق ثابت نداشتم، من چک ها رو می دادم و چک سفید امضا می دادم. از میزان چک ها باخبر بودم که حسابم رو پر کنم. چون شده بود که چکم برگشت بخوره. شوهرم امضام رو جعل می کرد. من زیاد خوشم نمی اومد و توهین بود برای خودم.

در برخی موارد، این کنترل تا جایی پیش می رود که مرد در جریان مشکلات مالی به سوءاستفاده مالی از زن می پردازد.

گاه زنان شاغل موقعیت خود را با زنان خانه دار مقایسه می کنند. خانم ۵۵ ساله و شاغل درباره موقعیت زنان خانه دار می گوید:

خواهرشوهرم با ما در یک واحد زندگی می‌کرد. من می‌دیدم شوهرش بیکار شده و مشکلات مالی داره، اما هنوز اسفند نشده خرید عیدشون به‌جا بود. ولی من باید منتظر می‌موندم که عیدی‌م رو می‌دادن و می‌رفتم خرید می‌کردم. اذیت می‌شدم.

این خانم بر این باور است که همسرش در قبال او نقش «نان‌آور خانواده» را به دلیل اشتغال او ایفا نمی‌کند.

مسائل مالی در خانواده اغلب تنش‌ها و بحران‌هایی را به وجود می‌آورد. گاه مردان از پول به‌منزلهٔ حربه‌ای برای کنترل زنان استفاده می‌کنند. در مواردی نیز، مردان در زمینهٔ مالی از موقعیت زنان بهره‌برداری ناروا انجام می‌دهند که ممکن است برای آنان پیامدهای قانونی به همراه داشته باشد. زنی که همسرش امضای او را جعل کرده بود، از این موارد است. از سوی دیگر، گاه مردان از کنش‌های اقتصادی همسرانشان ناراضی‌اند، مانند آقایی که همسرش به دلیل اختلافات خانوادگی، خودش را از مشارکت مالی در خانواده کنار کشیده بود. بدین ترتیب هنگامی که زوجین راجع به پول و نحوهٔ هزینه‌کرد آن اختلاف نظر داشته باشند، معمولاً زمینهٔ بروز چالش فراهم می‌شود.

کارکرد دو گانهٔ پول در بروز یا عدم بروز طلاق

بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در سال‌های اولیهٔ زندگی به جدایی اندیشیده‌اند، اما با گذشت زمان و رسیدن به تعادل مالی و ثبات اقتصادی، از فکر جدایی فاصله گرفتند. شایان ذکر است که مسائل مالی و پولی می‌تواند به‌مثابه مانع طلاق عمل کند. خانم ۵۸ساله و شاغل می‌گوید:

اوایل زندگی سر مسائل مالی با همسرم جر و بحث می‌کردم و همیشه پرخاشگرانه از سمت من شروع می‌شد. همیشه کار به جاهای باریک می‌کشید. گاهی تصمیم به جدایی گرفتم و چند بار اقدام هم کردم. دادگاه رفتم و احضاریه اومد. اما با طلاق حتی شرایط زندگی‌ای رو که دارم نمی‌تونم داشته باشم. به داشته‌هام فکر می‌کردم، نه مسائل توی خونه. طلاق می‌گرفتم، چیزی عایدم نمی‌شد. خونه رو هم از دست می‌دادم. اما با اینکه الان خونه به نام منه، نمی‌خوام طلاق بگیرم؛ به خاطر دخترم.

خانم ۴۶ساله و شاغل می‌گوید:

اعتیاد همسرم شدت گرفت؛ به‌حدی که نتونست سر کار بره. مغازهٔ همسرم تعطیل شد. طوری که اصلاً درآمد نداشتیم و درآمدمون صفر شد. حتی پول اجاره‌خونه نمی‌تونستیم بدیم. من سالی دوبار خونه رو ترک می‌کردم و می‌اومدم خونهٔ پدرم.

او اشاره می‌کند که بعد از مدتی اوضاع مالی خانواده با فعال شدن زن بهتر شد:

با کمک یکی از دوست‌هام شوهرم رو بردم دکتر و کمی بهتر شد. مغازه رو اجاره

دادیم. از پول رهن مغازه بدهکاری هامون رو دادیم. بقیه‌ش رو گذاشتیم بانک مسکن وام گرفتیم. دوباره یک بانک دیگه گذاشتم و یک وام دیگه. از طرفی، همسر مریض بود و اختیار کارهایش افتاد دست من. با اون پول تونستم یک خونه کوچیک بخرم. بعد از اون با کمک دایی‌ام مغازه رو یک میلیارد فروختم. صد میلیون اولیه رو سپرده کردیم و از سود اون هم خرج خونه می‌دادیم و هم خرج پسر خارج از ایران. بعد حدود نیمی از پول مغازه رو یک خونه توی فرمانیه خریدیم و بقیه‌اش رو به نام من توی بانک گذاشتیم.

او درباره طلاق می‌گوید:

زندگی من الان به‌طور روزمره شده. هیچ عشق و علاقه‌ای به هم نداریم. چندبار تلاش کردم که جدا شم، اما چون مادرم فرزند طلاق بود، از طلاق من می‌ترسید. از طرفی هم مشکل مالی نداشتیم.

در این پژوهش، منظور از تعادل ثبات و وضعیت خوب مالی در زندگی خانوادگی است. در پیمایش، اطلاعاتی در این باره فراهم شد.

برای سنجش، شاخص تلاش برای نوع تازه‌ای از تعادل اقتصادی و مالی در پیمایش، با جمع پاسخ‌های سه پرسش^۱ ساخته شد. حداقل امتیاز ۳ و حداکثر ۱۴ بود. این شاخص برای سنجش میزان تلاش پاسخ‌گویان برای نیل به تعادل نوین فراهم شد. امتیازها به سه گروه کم، متوسط و زیاد تقسیم شد. براساس نتیجه جدول ۳، حدود ۱۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان در سطح کم (۳-۶)، ۷۴/۲ درصد در سطح متوسط (۷-۱۰) و ۱۵ درصد در سطح زیاد (۱۱-۱۴) به نیل به تعادل نوین اقتصادی تمایل دارند. درواقع، حدود ۷۴ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که ثبات و شرایط مالی خوب بعد از گذر سال‌های ازدواج، سبب می‌شود که زوجین به زندگی مشترک ادامه دهند.

جدول ۳. دیدگاه پاسخ‌گویان درباره تلاش برای رسیدن به نوع تازه‌ای از تعادل مالی

متغیر	فراوانی	درصد
۳-۶ کم	۲۶	۱۰/۸
۷-۱۰ متوسط	۱۷۸	۷۴/۲
۱۱-۱۴ زیاد	۳۶	۱۵/۰
جمع	۲۴۰	۱۰۰/۰

۱. وقتی زن پول دارد، مشکل در خانه‌اش افزایش پیدا می‌کند؛ با افزایش سن، کمتر در زمینه مالی ریسک می‌کنم؛ با افزایش سن، نقش من در تصمیم‌گیری‌های مالی افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۴. جدول دوبعدی تلاش برای رسیدن به نوع تازه‌ای از تعادل مالی با گویه «با افزایش سن، کمتر در زمینه مالی ریسک می‌کنم»

با افزایش سن، کمتر در زمینه مالی ریسک می‌کنم						تلاش برای رسیدن به نوع تازه‌ای از تعادل مالی
جمع	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
۲۶	۰	۴	۱	۱۵	۶	کم
۱۷۸	۲۹	۶۶	۴۹	۲۸	۶	زیاد
۳۶	۲۰	۱۲	۴	۰	۰	متوسط
۲۴۰	۴۹	۸۲	۵۴	۴۳	۱۲	جمع

کای اسکوتر به ارزش ۸۲/۷۷ با سطح معناداری $\text{sig}=0.00$ و درجه آزادی ۸ نشان می‌دهد که بین تلاش برای رسیدن به نوع تازه‌ای از تعادل مالی و این گزاره که «با افزایش سن، کمتر در زمینه مالی ریسک می‌کنم» رابطه وجود دارد. هماهنگ با داده‌های کیفی، با افزایش سن ازدواج و نیل خانواده به تعادل اقتصادی، معمولاً زنان ترجیح می‌دهند وضعیت ثبات اقتصادی را حفظ کنند و از طلاق اجتناب می‌کنند.

طلاق بر اثر مشکلات مالی

پیش از این، از مشکلات مالی به‌مثابه منبع تنش در خانواده یاد شد. اغلب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش سعی می‌کنند با توافق و سازش‌پذیری در زمینه مالی به نوعی تعادل در روابط زناشویی برسند، ولی گاه مشکلات مالی و اقتصادی به قدری وسیع است که موجب ایجاد شکاف بین زوجین می‌شود. خانم ۳۴ساله و خانه‌دار می‌گوید:

شوهرم بیکار شد و نتونست شغل مناسبی پیدا کنه. تا اینکه برادرم یه کار توی املاک واسه‌ش پیدا کرد که درآمدش برای مخارج ما کافی نبود. من هم کمک می‌کردم و سر کار می‌رفتم. من شدم مرد خونه و اون زن خونه. همه چیز عوض شده بود. تا اینکه توافقی جدا شدیم. دلیل اصلی جدایی مون مسائل مالی بود. عاطفه نبود و علتش مشکل مالی بود.

خانم ۳۲ساله و شاغل می‌گوید:

خرچی خونه با من بود. همه‌ش می‌گفتم درست می‌شه. با زبونش من رو نگه داشته بود... بعد از یک سال و دو ماه یه خونه جدا گرفتم. شش ماه تنهایی زندگی کردم. همسرم هفته‌ای یک بار زنگ می‌زد. انگار دوست قدیمی‌ش بودم. با دوست‌هاش می‌رفت مسافرت و خوش‌گذرونی. تا اینکه یه شب گفتم بیا دیگه نمی‌تونم تنها زندگی کنم. اما اون گفت که ماشین ندارم و پول ندارم که بیام... فرداش دادخواست طلاق دادم.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نسبت به افزایش تمایل به طلاق

درصد	فراوانی	متغیر
۲۵٫۸	۶۲	کم ۸-۱۳
۷۰٫۰	۱۶۸	متوسط ۱۴-۱۹
۴٫۲	۱۰	زیاد ۲۰-۲۵
۱۰۰٫۰	۲۴۰	جمع

مفهوم افزایش تمایل به طلاق در بخش کمی با جمع پاسخ‌پنج پرسش^۱ ساخته شد و با توجه به تقسیم‌بندی امتیازها به سه گروه کم، متوسط و زیاد دسته‌بندی شد که حداقل امتیاز ۸ و حداکثر آن ۲۵ بود. براساس نتیجه جدول ۵، حدود ۲۵٫۸ درصد از پاسخ‌گویان تمایل به طلاق را در سطح کم (۸-۱۳)، ۷۰٫۰ درصد در سطح متوسط (۱۴-۱۹) و ۴٫۲ درصد آن را در سطح زیاد (۲۰-۲۵) می‌دانستند. بر همین اساس، جدولی دوبعدی برای سنجش رابطه بین افزایش دسترسی زنان به پول و تمایل به طلاق ساخته شد و جدول دوبعدی دیگری نیز برای سنجش رابطه بین جنسیت و پرسش «اگر شرایط مالی مناسب نباشد، از همسرم جدا می‌شوم» ساخته شد. محاسبات هر دو جدول بیانگر نبود تفاوت معنادار بین متغیرهای مورد سنجش است. داده‌های کمی و داده‌های کیفی در این باره همسو هستند. زنان بعد از گذر سال‌های ازدواج و دسترسی بیشتر به منابع مالی، شرایط موجود را می‌پذیرند و کمتر به طلاق می‌اندیشند، زیرا ممکن است بر اثر طلاق منابع مالی حاصل از سال‌ها زندگی مشترک را از دست بدهند. داده‌ها نشان می‌دهد که عدم پول‌سازی مرد و همچنین درآمد زنان می‌تواند تنش را در خانواده ایجاد کند، اما فقط در وضعیت خاص، مثل سالیان اول ازدواج و نبود فرزند، امکان طلاق افزایش می‌یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خانواده نهادی است که از دگرگونی‌های جامعه تأثیر می‌پذیرد، ولی درعین‌حال توانایی پایداری در برابر دگرگونی‌ها را دارد [۱، ص ۲۳]. ورود پول و اقتصاد پولی شرایط اجتماعی را دگرگون کرده و بر نهاد خانواده تأثیر گذاشته است. تغییر موقعیت زنان در جامعه و دسترسی آنان به پول نیز موجب دگرگونی‌هایی در نهاد خانواده شده است. آنان به تدریج توانستند در اقتصاد خانواده نقش پررنگ‌تری ایفا کنند. دسترسی زنان به پول پاره‌ای چالش‌های جدید را در رابطه بین زوجین ایجاد می‌کند و یکی از مهم‌ترین آنان چالش نقش مهم و کلیدی نان‌آور

۱. دیگر نمی‌توان مثل قدیم با هر شرایط مالی زندگی کرد؛ زنی که درآمد ندارد، اختیارش دست شوهرش است؛ اگر شرایط مالی مناسب نباشد، از همسرم جدا می‌شوم؛ وقتی زن پول دارد، مشکل در خانواده افزایش پیدا می‌کند؛ زنی که پول دستش است، حرف مرد را نمی‌شنود.

خانواده است. به عبارت دیگر، زن بخشی از این نقش را برعهده می‌گیرد و این امر می‌تواند انتظارات یا تنش را بین زوجین ایجاد کند. این شرایط، به‌ویژه در سال‌های اولیه ازدواج، بیشتر به ظهور اندیشه جدایی منجر می‌شود. شایان توجه است که تنش مالی به‌تنهایی موجب طلاق نیست، اما در صورت وجود عناصر دیگر در سال‌های اول ازدواج، نقش تقویت‌کننده را در این باره بازی می‌کند. از سوی دیگر، با گذر زمان و نیل خانواده به تعادل اقتصادی، اندیشه جدایی به مراتب کاهش می‌یابد و وجود مشکلات اقتصادی در کنار کاهش تمایل زنان به جدایی دیده می‌شود. کاهش تمایل زنان به طلاق می‌تواند به دلایل مختلفی چون حضور فرزندان، بالا رفتن سن و دست‌یافتن به شرایط خوب مالی و حتی افزایش مهارت زن در امور مالی خانواده در کنار مرد باشد. در این وضعیت، تعادل اقتصادی ایجاد شده می‌تواند زنان را در ادامه زندگی خانوادگی مصمم‌تر کند، زیرا زنان مایل به از دست دادن موقعیت مالی ساخته‌شده در خلال سال‌ها زندگی مشترک نیستند. ممکن است کارکرد دوگانه پول با ارتقای توانایی مالی زنان کم‌رنگ شود و اثر خود را از دست بدهد. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری به جزئیات تعادل اقتصادی خانواده بپردازد و با بررسی مناسبات مالی در خانواده، که معمولاً نسبت به آن توجه کافی نمی‌شود، دانش و توان زنان در امور مالی خانواده افزایش داده شود. ضمناً توجه به نان‌آوری مشترک توان خانواده را در پایداری در هنگام مشکلات اقتصادی افزایش خواهد داد.

منابع

- [۱] بهنام، جمشید (۱۳۹۲). تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: ماهی، چ ۳.
- [۲] تافلر، آلین (۱۳۷۴). شوک آینده، ترجمه حشمت‌الله کامرانی، چ ۲، تهران: سیمرغ.
- [۳] خاکپور، سحر (۱۳۹۲). «جنسیت و تصمیم‌گیری درباره هزینه‌کردن پول (تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) در خانواده»، سمنان ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد واحد گرمسار.
- [۴] سرایی، حسن (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت، چ ۸.
- [۵] علیرضانژاد، سهیلا؛ حائری، شهلا (۱۳۹۰). پول، «جنسیت توسعه (مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنبورداران رامه)»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۷.
- [۶] علیرضانژاد، سهیلا؛ خاکپور، سحر؛ فتحی، سروش (۱۳۹۳). «سرمایه اقتصادی و جنسیت در خانواده (مطالعه‌ای بر کنترل منابع مالی در خانواده‌های شهر تهران)»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۲۱، زمستان، ص ۱۵۷-۱۹۰.
- [۷] کوزر، آلفرد لوئیس (۱۳۹۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، چ ۱۷.

- [۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چ ۸.*
- [۹] گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.*
- [۱۰] مرکز آمار ایران (۱۳۹۲). *سال‌نامه آماری تهران: مرکز آمار ایران.*
- [۱۱] واندنبرگ، فردریک (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جرج زیمل، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.*
- [۱۲] صفائی‌راد، سوری؛ وارسته‌فر، افسانه (۱۳۹۰). «رابطه بین تعارض‌های زناشویی یا طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران»، *پژوهش اجتماعی، دوره ۶، ش ۲۰.*
- [۱۳] هولمز، ماری (۱۳۸۹). *جنسیت و زندگی روزمره، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نقد افکار.*
- [14] Alirezanejad, Soheila (2014-2015). "Visible and Invisible Money: Different Opportunities for Rural Women in Iran". *Gender Perspectives in Case Studies Across Continents: Volume 2*. Global Network of Unesco Chairs on Gender
- [15] Almosaed, Nora F (2008). *Money and Power in Saudi Family*, Assistant Professor of Sociology Faculty of Arts and Humanities King Abdulaziz University, Jeddah, Saudi Arabia.
- [16] Bachmann, L(2011). "Money of her: women's struggle for emancipation through their dealings with money", *Jornal of Comparative Research in Anthopogy and Sociology*, Volume 2, Number 1.
- [17] Vogler, Carlolyn, Clare Lyonette and Richard D. Wiggins (2007). *Money, Power and Spending Decisions in Intimate Relationships*, black well/ journals/ sore. V56-il/Sore 719.
- [18] Zelizer, Vioviana (2008). "The Social Meaning of Money", *The American Journal of Sociology*, Vol. 95.